

214

دیوان دآوری دعاوی ایران - ایالات متحد

ES CLAIMS TRIBUNAL

423-214  
ECC-512

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 423.

Date of filing: 18 Feb '88

\*\* AWARD - Type of Award \_\_\_\_\_  
- Date of Award \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DECISION - Date of Decision \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* CONCURRING OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* SEPARATE OPINION of Mr. Ansari to Award 343-423-3  
- Date 18 Feb '88  
\_\_\_\_\_ pages in English 7 pages in Farsi

\*\* DISSENTING OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* OTHER; Nature of document: \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

بنام خدا

423-214

۲۴۳-۴۲۳

پرونده شماره ۴۲۳

شعبه سه

حکم شماره ۳-۴۲۳-۴۴۳

DUPLICATE  
ORIGINALمینه سوتا ماینینگ اند منیو فکتورینگ کامپنی  
خواهان،

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داری دعوی ایران-ایالات متحده
ثبت نشانی - FILED	
Date	18 FEB 1988 تاریخ
	۱۳۶۶ / ۱۱ / ۲۹
No.	423 شماره

- و -

جمهوری اسلامی ایران،

وزارت مسکن و شهرسازی،

شرکت ساختمانی آرمه،

شرکت ابوالحسن دیبا و شرکاء با مسئولیت محدود، و

شرکت پلی اکریل ایران،

خواندگان.

نظر جداگانه قاضی پرویز انصاری

در خصوص قسمتهائی از راعی پرونده حاضر، اینجانب نظرات خود را در رد یا موافقت با آن بخش‌ها بشرح ذیل ابراز می‌دارم .

تملك ادعا توسط خواهان

۱ - خواهان مدعی است که مالک تمامی ۲۴۰۰ سهم صادره شرکت ۳- ام میدل ایست بوده و

بطور غیر مستقیم مالک صد درصد ادعای مربوط بشرکت مذکور برعلیه خواننده (شرکت ساختمانی آرمه) است. خواهان برای اثبات مالکیت خود بدواً طی لایحه مورخ ۲۳ دسامبر ۱۹۸۵ (مدرک شماره ۱۶۱) دودلیل ارائه نمودیکی از این دو دلیل گواهینامه سهام صادره بتاريخ ۲۹ سپتامبر ۱۹۶۹ است که نشان می دهد در تاریخ مذکور از تعداد ۲۴۰۰ سهم شرکت ۳- ام میدل ایست ۲۱۰۰ سهم بشماره های ۳۰۱ الی ۲۴۰۰ به نام خواهان ثبت شده بوده است. دلیل دیگر، شهادتنامه مورخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۴ آقای رابرت ک. واترز عضو شریک حسابرسی کوپرزاند لایبراند است. بر اساس شهادتنامه مذکور، طبق گزارشهای مالی سالهای منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۷۵ و ۳۱ دسامبر ۱۹۸۰ شرکت ۳- ام (خواهان) وشرکتهای فرعی آن، تعداد سهام دارای حق رأی شرکت ۳- ام میدل ایست که در تاریخ های ۳۱ دسامبر ۱۹۷۵ و ۱۹۸۰ صادر و موجودیت داشته ۲۴۰۰ سهم بوده که طبق دفاتر موجود، در تاریخهای مذکور متعلق بخواهان بوده است. بطوریکه ملاحظه می شود مدارک فوق تکلیف مالکیت سیصد سهم شرکت ۳- ام میدل ایست را روشن نمی کند زیرا تحت این شرایط حداقل انتظار آنست که گواهینامه های مربوط به آن سیصد سهم مورد اختلاف نیز ارائه شود.

۲ - خواهان ظاهراً بمنظور دفع شبهه و رفع ابهام ودر پاسخ به ایرادات خواننده شهادتنامه مورخ ۱۳ فوریه ۱۹۸۷ آقای آرلودی . لوی نایب رئیس و منشی شرکت خواهان را طی لایحه مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۸۷ [مدرک شماره ۱۹۴] ارائه نمود. شهادتنامه مذکور در قسمت مربوط می گوید:

"...شرکت ۳- ام [خواهان] دارنده [مالک اسمی] و مالک انتفاعی سهام شماره ۳۰۱ الی ۲۴۰۰ شرکت ۳- ام میدل ایست می باشد . سهام یک تا سیصد بنام سه نفر که مدیران شرکت ۳- ام میدل ایست بودند منتشر گردید، تمام این سهام توسط این مدیران بعنوان نمایندگان شرکت ۳- ام [خواهان] نگهداری می شد وشرکت ۳- ام [خواهان] مالک انتفاعی باقیمانده بوده است. ۳- ام [خواهان] عقیده دارد که کلیه این گواهینامه های سهام ابطال گردیده اند اما چون کلیه این گواهینامه ها در حال حاضر درلبنان قرار دارد قادر به اثبات این مطلب نمی باشد....."

همانطور که در رأی نیز اشاره رفته است دلائل مذکور متناقض است. بنظر اینجانب این تناقض در حدی است که نمی توان از آن چشم پوشی کرد. طبق شهادتنامه رابرت ک.

واترز چنین نتیجه گرفته می‌شود که قاعدتا "سپید سهم مورد بحث در تاریخ مجهولی باید مجدداً بنام خواهان در دفاتر شرکت ثبت شده باشد، زیرا شهادتنامه نامبرده می‌گوید که تمام ۲۴۰۰ سهم در ۳۱ دسامبر ۱۹۷۵ و ۳۱ دسامبر ۱۹۸۰ طبق دفاتر بنام خواهان بوده‌است. از طرف دیگر برابر شهادتنامه آقای آرلو دی. لوی نتیجه گرفته می‌شود که این سپید سهم ابطال شده بوده‌است و بنابراین در تاریخ های مورد اشاره شاهد دیگر یعنی ۳۱ دسامبر ۱۹۷۵ و ۳۱ دسامبر ۱۹۸۰ نمی‌توانسته بنام خواهان در دفاتر ثبت شده باشد.

۳ - علاوه بر این، امتناع خواهان از ارائه اطلاعات کافی در خصوص وضعیت سهام و هویت مالکان آن شبهه برانگیز است. خواهان و شهود وی معین نمی‌کنند که در صورت صحت ادعاء سپید سهم موصوف در چه تاریخی بنام مدیران شرکت فرعی (۳- ام میدل ایست) صادر شده و اسامی مدیران نیز اعلام نشده است. ازسوی دیگر مشخص نیست که این سهام در چه تاریخی آنطور که از شهادتنامه رابرت ک. واترز استنباط می‌شود مجدداً بنام خواهان در دفاتر ثبت شده یا آنطور که شاهد دیگر آرلو دی. لوی می‌گوید ابطال گردیده است.

۴ - خواهان با اعتراف بر اینکه سپید سهم از سهام به نام افراد دیگری صادر شده‌است در عین حال ادعا می‌کند که مالک انتفاعی سهام مذکور باقی مانده‌است لیکن دلیلی بر این امر اقامه نمی‌کند. خواهان صراحتاً می‌گوید که قادر به اثبات ابطال سپید سهم نیست ولی مدرکی نیز ارائه نمی‌دهد که ثابت کند در صورت صحت این ادعا به دلایل موجهی قادر به ارائه ادله مربوط به ابطال سپید سهم نمی‌باشد.

۵ - با توجه به آنچه گفته شد، ادعای خواهان در مورد مالکیت سپید سهم مذکور ثابت نیست

و نتیجتاً به همان نسبت استحقاقی در اقامه دعوی از این لحاظ نخواهد داشت (۱).  
مطلب مهم دیگری که بر این بحث باید افزود آن است که مساله مالکیت سهام و قواعد  
حاکم بر چنین تملکی و یا انتقال آن، تابع قانون محل lex loci شرکت و صدور سهام  
است. بعنوان مثال ماده ۴۰ قانون شرکت های سهامی ایران مقررات و تشریفات ثبت،  
تملک و انتقال سهام با نام را معین می کند و چنانچه معامله ای راجع به سهام بر خلاف  
مقررات و تشریفات قانونی صورت گیرد، حداقل در برابر اشخاص ثالث و شرکت صادر کننده  
سهام، معتبر و قابل استناد نخواهد بود (۲). رجوع کنید: پان ال. مک هارگ و دیگران،  
جمهوری اسلامی ایران، رای شماره ۱-۱۰۸۵۶/۱۰۸۵۵/۱۰۸۵۴/۱۰۸۵۳-۱۰۸۵۲، بند  
۵۸، (۲۶ / ۹ / ۱۳۶۵)

در پرونده حاضر نیز خواهان هرگز دلیلی بر جواز تملک غیر مستقیم سیصد سهم موصوف  
طبق قانون محل شرکت که قانون لبنان است، با توجه به آنکه بنابه ادعای خواهان مالکین  
سهام مزبور اشخاص حقیقی بوده اند، به دیوان تقدیم ننموده است فلذا از این حیث نیز  
دعوی مطروحه در ارتباط با سیصد سهم مزبور محکوم به رد است.

---

۱- این بیان موجب این توهم نگردد که من با اقامه دعوی غیر مستقیم برای ۲۱۰۰ سهم دیگر  
موافقم. زیرا هم اینجانب قبلاً موضع خود را نسبت به آرائی که چنین دعاوی را تجویز  
نموده اند تبیین کرده ام، رجوع کنید: آر. جی. رینولدز توباکو کامپنی و دولت جمهوری اسلامی  
ایران و شرکت دخانیات ایران، رای شماره ۳-۳۵-۱۴۵، ص ۲۸ (۱۳۶۳/۹/۱۶)، وهم آنکه  
اتخاذ تصمیم در پرونده الف ۲۲ را در این خصوص موثر می دانم.

۲- ماده ۴۰ قانون شرکتهای سهامی مقرر می دارد:

"انتقال سهام با نام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال دهنده یا وکیل یا  
نماینده قانونی او باید انتقال را در دفتر مزبور امضاء کند.  
در موردیکه تمامی مبلغ اسمی سهم پرداخت نشده است نشانی کامل انتقال گیرنده نیز در دفتر  
ثبت سهام شرکت قید و با امضای انتقال گیرنده یا وکیل یا نماینده قانونی او رسیده و از نظر  
اجرای تعهدات ناشی از نقل و انتقال سهم معتبر خواهد بود. هرگونه تغییر اقامتگاه نیز باید  
بهمان ترتیب به ثبت رسیده و امضاء شود. هر انتقالی که بدون رعایت شرایط فوق بعمل آید از  
نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است." (تاکید اضافه شده است)

## قرارداد آرمه

۶ - مبلغی که خواهان تحت قرارداد نصب روکش اسکاچ کلد مطالبه کرده و مورد حکم نیز واقع گردیده است، بابت نصب ۴۰،۰۰۰ متر مربع روکش است. در حالیکه میزان واقعی کار انجام شده طبق اظهار خوانده که مورد معارضه خواهان نیز قرار نگرفته است ۳۱،۴۶۹ متر مربع می باشد.

با توجه به ماده ۱۰ قرارداد که کاهش یا افزایش میزان کار را تا حدود ۱۰٪ میزان مقرر در قرارداد طبق خواست خوانده مجاز داشته است تردیدی نیست که رقم قابل پرداخت بخوهان با کسر ۱۰٪ مذکور از مبلغ کل قرارداد که با فرض نصب ۴۰،۰۰۰ متر مربع روکش در نظر گرفته شده بود باید تعیین می گردید. در عین حال با توجه به مفاد قرار داد (۳) بطور کلی قبول نظر خوانده در خصوص اینکه رقم قابل پرداخت بخوهان باید

---

(۳) بعنوان مثال در ماده ۳ الف قرارداد می خوانیم "مقدار اسکاچ کلد لازم در حال حاضر برای سطحی بوسعت تقریبی ۴۰،۰۰۰ متر مربع است ..." در اینجا اگر اشاره ای بمساحت می شود برای تعیین میزان تقریبی ماده اسکاچ کلد مورد نیاز است و بمساحت بطور قطعی اشاره نمی شود.

علاوه بر این مفاد ماده ۱۰ قرارداد در قسمت مربوط چنین است: "هرگاه خریدار دستور تغییر یا افزایش مقدار کار مندرج در قرارداد را فرای میزان مندرج در بند ۳- الف دهد، قیمت قرارداد به تناسب هر متر مربع به میزان توافق شده افزایش یا کاهش خواهد یافت. این تغییرات نباید بیش از ۱۰٪ مقدار مورد توافق در قرارداد باشد"

مفاد ماده فوق حاکی از توافق طرفین بر سه امر است:

اولاً "میزان کار موضوع قرارداد حسب خواست خوانده قابل افزایش و یا کاهش است

ثانیاً "در صورت کاهش یا افزایش میزان کار مبلغ قرارداد متناسباً تغییر خواهد کرد یعنی قیمت قرارداد، تابعی از میزان کار انجام شده است."

ثالثاً "حداکثر میزان مجاز تغییرات بخواست خوانده ۱۰٪ کل کار است."

بطوریکه ملاحظه می شود محدود کردن تغییرات احتمالی به ۱۰٪، تحدید اختیار خوانده است نه تحدید تغییرات بطور کلی. لذا چنانچه در عمل وبدون آنکه خوانده از سقف تعیین شده (۱۰٪) تجاوز کند مساحت کار انجام شده عملاً "تنزل یابد دلیلی وجود ندارد که تصور کنیم ضابطه دیگر مندرج در ماده ۱۰ قرارداد که تبعیت قیمت قرارداد از مساحت یعنی میزان کار واقعی انجام شده است از اعتبار ساقط گردد. بنابراین ضابطه مذکور باید ملاک احتساب قیمت قرارداد قرار گیرد.

بر اساس میزان واقعی کار انجام شده تعیین گردد موجه‌تر است. این نظر بامنتوق تفسیر در قراردادهای معاوضی و اصول عدالت و انصاف نیز سازگارتر است و حکم برخلاف آن نتیجه‌ای جز ملائت بلاجهت خواهان نخواهد داشت. رجوع کنید: آناکاندا - ایران، اینکوریوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران و شرکت ملی صنایع مس ایران، قرار اعدادی شماره ۳-۱۶۷-۶۵، نظر جداگانه قاضی پرویز انصاری، بند ۳ الف (۱۳۶۵/۱۲/۲۷).

۷ - طبق ماده ۲۲ قرارداد، مدت قرارداد یکسال از تاریخ انعقاد آن است، لذا با توجه به تاریخ انعقاد قرارداد (۲۱ اوت ۱۹۷۶) خواهان تعهد داشته است که در اوت ۱۹۷۷ کار موضوع قرارداد را تحویل دهد، درحالی‌که به ادعای خواهان و نتیجه‌گیری راعی تحویل کار نهایتاً در دسامبر ۱۹۷۹ انجام شده است. حتی باقبول تاریخ مذکور ملاحظه می‌شود که مدت مدیدی تاخیر وجود داشته است (۴). اگر از اعتراضات خوانده دایر بر اینکه تحویل کار طبق شرایط مندرج در قرارداد تحقق نیافته و کار تحویل شده ناقص بوده است نیز چشم پوشی شود، صرف چنین تاخیر غیر متعارف و غیر موجهی صرفنظر از عواقب احتمالی آن در خصوص ایراد ضرر به خواننده، فی‌نفسه تخلف از قرارداد و مسئولیت آور است. بنظر نمی‌رسد در این امر تردیدی باشد که انجام بموقع تعهد از جمله ضروریات تحقق وصف حسن انجام کار است. بر اساس این ضابطه نمی‌توان قبول کرد که خواهان تعهد خود را تحت قرارداد منعقد با شرکت ساختمانی آرمه بنحو رضایت بخشی انجام داده است. لذا تصمیم اکثریت در خصوص استرداد وجوه ضمانت نامه حسن انجام کار به خواهان که قبلاً توسط خواننده به حق وصول گردیده بوده است وجهه ای ندارد (۵).

---

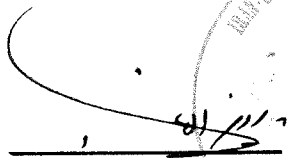

(۴) حتی با فرض قبول چند ماه تاخیری که طبق راعی از ناحیه خواننده ناشی شده است، تحویل کار موضوع قرارداد نزدیک به دو سال دیرتر از موعد مقرر در قرارداد است.

(۵) توصیه مهندس مشاور به استرداد وجوه ضمانت نامه حسن انجام کار به پیمانکار که سالیانی بعد صورت گرفته است نمی‌تواند تخلف پیمانکار واستحقاق کار فرما را به وجوه ضمانت نامه ضبط شده زائل سازد.

دعوی پلی آکریل

۸ - درمورد ادعای اقامه شده علیه شرکت پلی آکریل ایران با مفاد راعی درخصوص رد ۳۲ فقره از صورتحسابهای مورد مطالبه خواهان بعلت عدم ارائه اسنادحمل موافقم. مساله لزوم ارائه اسناد صحیح حمل در هر ادعائی که مبناء آن تحویل کالا است از ضروری ترین لوازم اثبات ادعا است. عدم ارائه چنین اسنادی یا هرگونه انحراف از شرایط معین شده بین طرفین درخصوص حمل و کیفیت اسنادحمل موجب بطلان چنین ادعائی خواهد بود. رجوع کنید: جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، قراراعدادی شماره ۶۰-ب-۱- دیوان عمومی، بندهای ۳۱ تا ۳۳ (۱۵ / ۱ / ۱۳۶۵).

لاسه، تاریخ ۲۹ بهمن ماه ۱۳۶۶ برابر با ۱۸ فوریه ۱۹۸۸

پرویز انصاری معین